DOI.01.01.02
Quarterly Journal of Institutional Progress and Development
Vol. 1, No. 1, Spring 2025, 27-54

The status and prospects of education missions in upstream legal documents

Reza Fanazade
Assistant Professor, Law Department, Payam Noor University, Tehran, Iran
reza.fanazad@pnu.ac.ir

Date of Received: 2024/06/15 **Date of Acceptance**: 2024/10/24

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی ۲۸

وضعیت و چشم انداز
رسالت‌های آموزش و پرورش
در اسناد حقوقی بالادستی

Abstract

The upstream documents in the education structure are of particular importance because they outline the vision and fundamental goals of this complex and all competencies, responsibilities, rights and duties also stem from it.

The mission and mission of every system and institution determines the importance of that institution's role in society. The mission of the formal and public education system in the Islamic Republic of Iran is: "Providing a systematic and fair basis for acquiring the necessary individual, family and collective competencies for all members of society in order to achieve an acceptable level of readiness to realize a good life in all dimensions." The author's main purpose is to examine the current status and future prospects of these goals in light of the criticism of upstream documents in order to be aware of the success and failure of the education complex in achieving these goals and to examine the causes of success and failure, along with presenting some approaches and suggestions.

Keywords: Education, goals, superior documents, identity

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
۷۸
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

DOI.01.01.02
فصلنامه پیشرفت و توسعه نهادی
دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۴
صص ۵۴ – ۲۷

وضعیت و چشم‌انداز رسالت‌های آموزش و پرورش در اسناد حقوقی بالادستی

رضا فنازاده
استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران reza.fanazad@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی ۲۹

چکیده

اسناد بالادستی در ساختار آموزش و پرورش، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چراکه چشم‌انداز و اهداف بنیادی این مجموعه را ترسیم کرده و تمام صلاحیت‌ها، مسئولیت‌ها، حقوق و تکالیف نیز از آن نشأت می‌گیرد.
رسالت و مأموریت هر نظام و نهادی، تعیین‌کننده میزان اهمیت نقش آن نهاد در جامعه است. رسالت نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: «فراهم آوردن زمینه نظام‌مند و عادلانه کسب شایستگی‌های فردی، خانوادگی و جمعی لازم برای عموم افراد جامعه به منظور دستیابی به مرتبه قابل قبولی از آمادگی جهت تحقق حیات طیبه در همه ابعاد.» بررسی وضعیت فعلی و چشم‌انداز آینده این اهداف در سایه نقد اسناد بالادستی به منظور آگاهی از میزان اقبال و ناکامی مجموعه آموزش و پرورش در دستیابی به ابن اهداف و بررسی علل توفیق و ناکامی در کنار ارایه برخی رهیافت‌ها و پیشنهادها، مقصود اصلی نگارنده می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش و پرورش، اهداف، اسناد بالادستی، هویت

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

اهمیت آموزش و پرورش

«آموزش و پرورش، پا به پای زندگی اجتماعی، سابقه باستانی دارد. در آموزش و پرورش همه چیز جنبه‌ی اجتماعی به خود می‌گیرد.»(له تان کوی، ترجمه باقر شیخاوندی،۱۳۴۸: ۱۶۷-۱۵۱). قرآن مجید، در آیات متعدد (آیات ۱۲۴ و ۱۴۷ سوره بقره، ۱۶۰ سوره آل عمران و ۲ سوره جمعه)، تعلیم و تربیت را اساس بعثت پیامبر اسلام قرار داده است تا بدین‌وسیله، زمینه‌ی ایجاد جوامع متفکر و توانمند فراهم شود.

در ایران، نقشی زیرساختی بر عهده‌ی آموزش و پرورش نهاده شده است زیرا «وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند تعلیم و تربیت در همه‌ی ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعه اسلامی براساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی است. این نهاد، مأموریت دارد با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه‌ی دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم طی ۱۲ پایه تحصیلی به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد. انجام این مهم، نقش زیرساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی خواهد داشت.» (سند تحول . فصل سوم . بیانیه ماموریت)

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
۳۰
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

نقش آموزش و پرورش در هویت یابی

مفهوم هویت

«تعاریف مختلفی از هویت شده است. از بین تعاریف ارائه شده به نظر می‌رسد تعریف بورک یکی از رساترین این تعاریف باشد به نظر وی: «هویت مجموعه معانی به کار برده شده‌ی خود در یک موقعیت یا نقش اجتماعی است. این مجموعه معانی مشخص می‌کند که فرد کیست و چه می‌تواند باشد؟(رضایی کلانتری و دیگران ، ۱۳۹۰ به نقل از (Burke, 1997:837)

هویت فردی

«بسیاری از دانش‌آموزان با کنده شدن از بنیادهای سنتی و در شرایط ضعف یا نبود ساختارهای نوین مدنی و یا عدم تشخیص الگوهای مناسب، دچار تعارض، سردرگمی و بلاتکلیفی می‌شوند و خود را در تعارض با ارزش‌های سنتی می‌بینند. در چنین شرایط است که آنومی یا نابه‌سامانی اجتماعی زمینه لازم را برای پیدایش بحران هویت پدید می‌آورند. (عبدالهی، ۱۳۸۴). در چنین شرایطی است که اعضای جامعه و به ویژه دانش‌آموزان دوره متوسطه به عنوان آسیب‌پذیرترین گروه جامعه، نیاز به هویت دارند تا از

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

این طریق توانایی آن را بیابند تا نظمی نسبی در زندگی خود و در دنیای اطراف‌شان ایجاد کنند و یک نوع احساس تعلق و همبستگی به نظام اجتماعی کلی پیدا کنند.»(رضایی کلانتری و دیگران، ۱۳۹۰)

هویت دینی به مثابه یک مأموریت اصلی و هدف کلان

«کلمه‌ی «هویت» در کل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، «۲۷ دفعه» به صورت مجزا و هم به صورت ترکیبی مثل هویت اسلامی - ایرانی، هویت اسلامی - انقلابی، هویت جمعی، هویت حرفه‌ای، هویت ملی و غیره ... آمده است که این امر نشان از توجه ویژه طراحان سند مزبور به جایگاه مهم هویت و هویت ملی دارد. به طوری که در فصل اول (کلیات)، به طور جداگانه به تعریف هویت می‌پردازد. در این سند، «هویت» چنین تعریف شده است: «هویت، برآیند مجموعه‌ای از بینش‌ها، گرایش‌ها، اعمال و صفات آدمی است. از این رو، نه تنها امری ثابت و از پیش تعیین شده نیست، بلکه حاصل تلاش و توفیق شخص و تا حدودی متأثر از شرایط اجتماعی است» (رهبری، مهدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۶-۴۵)

هویت فردی

موضوع مهم دیگر این است که «آیا اهمیت موضوع هویت در حدی هست که بتوان به عنوان یک نیاز اساسی بدان پرداخت؟ اریک فروم جامعه‌شناس و روان‌کاو آلمانی معتقد است فرق انسان و حیوان ابتدا در نیازهای اختصاصی اوست؛ از این رو شناخت او بدون آشنایی به این نیازها میسر نخواهد بود. این نیازها از نظر فروم به قرار زیر است: نیاز به تعالی، وابستگی، هویت، رجوع به اصل و وسایل راهیابی. او می‌گوید: هر انسانی تمایل دارد تا هویت خاصی داشته باشد. از این رو می‌کوشد که خویشتن را دریابد و بشناسد در عین حال می‌خواهد فردی ممتاز باشد و برای رسیدن به این مقام خود را به شخص یا گروهی از اشخاص نسبتاً ممتاز مرتبط می‌کند و یا به اصطلاح، خویشتن را با آن‌ها همانند می‌سازد تا به واسطه‌ی امتیاز شخصی که آن فرد یا آن گروه‌ها دارند تا حدی صاحب تشخیص و امتیاز گردد. در حقیقت منظور فروم این است (شرفی، ۱۳۸۱)، که هر انسانی به احساس خاص و منحصر به فرد بودن نیاز دارد از این روست که احراز هویت در دوران نوجوانی ضرورتی اساسی به حساب می‌آید.(سادات رضوی، ۱۳۸۸) در این راستا نهاد آموزشی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا در ابعاد جسمی و ذهنی، خودشان را بهتر بشناسند، به نقاط قوت و ضعف خویش آگاهی یابند، به تدریج استعدادها، علایق و توانایی‌های خویش را بشناسند و به طور کلی هر دانش‌آموز دریابد که به عنوان یک انسان کیست؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ چه می‌خواهد؟ به کجا می‌خواهد برسد؟ و در ارتباط با سایر انسان‌ها چه باید بکند؟ دانش‌آموزان در مدرسه

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

در تعاملی چندسویه با همسالان، معلمان، محتوای آموزشی و سایر عوامل به شناخت و آگاهی بهتری از خود می‌رسند.

«فرهنگ شهروندی امروزه از دبستان تا دانشگاه در اکثر کشورها در قالب محتوای آموزشی ارائه می‌گردد. (شیخی،۱۳۸۷ به نقل از رضایی کلانتری، ۱۳۹۰)

هویت دینی

در جوامعی که دین و مذهب بخش مهمی از تاریخ، باورها، آداب و رسوم و سبک زندگی‌شان است، هویت دینی از مهم‌ترین مصادیق هویتیِ فردی و جمعی شهروندان محسوب می‌گردد و قوانین و مقرراتش مبتنی بر موازین شارع مقدس است. بی‌شک آموزش و پرورش نهادی است که در زمینه‌ی افزایش آگاهی شهروندان در این حیطه مأموریت ویژه می‌یابد.

«با نگاهی گذرا به نظریات جامعه‌شناسان به ویژه نظریه‌پردازان حوزه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی دین به روشنی آشکار می‌شود که اندیشمندان این عرصه به نقش و جایگاه مذهب در شکل‌دهی به هویت جوامع و گروه‌ها اصرار دارند. ... برخی از اندیشمندان با توجه به مطالعات تجربی که انجام داده‌اند نقش دین را در هویت بخشی به افراد و گروه‌ها بسیار مهم می‌دانند. از جلمه این افراد می‌توان به کسانی چون مودود، الیس، یاکوبسن، جوزف و تبیتا فرایث اشاره کرد. اینان بر این باورند که اگر چه دین به عنوان یک عامل هویت‌بخش دچار فراز و فرودهایی بوده اما این نقش هنوز بسیار تعیین‌کننده است.» (گدازگر،۱۳۸۴ :۱۶۲-۱۳۷)

بنابراین ارتباط تنگاتنگي بين هويت ملي و مذهبي ايرانيان وجود دارد (اسلامي ندوشـن، ۲۰۰۶ به نقل از حاجياني و فولادي سپهر، ۱۳۸۹: ۳۴). از اين رو، تقويت مشتركات ديني در افراد از يك سو و پاي‌بندي آنها بر شعائر ديني از سوي ديگر، نشان‌دهنده‌ی قـوام و ثبـات هويت ملي در ايران خواهد بود (حاجياني، ۱۳۷۹: ۲۱۹). تقويت هويت‌هاي ديني و ملـي در دانش‌آموزان، امروزه يكي از اساسي‌ترين مسائل پيش روي آموزش و پرورش، به مثابه يكي از مهم‌ترين كارگزاران جامعه‌پذيري و بازتوليد همبستگي اجتمـاعي عـام بـه شمار مي رود. نظام آموزشي با دروني كردن ارزش‌ها و آشنا ساختن دانش‌آموزان با اصول حاكم بر جامعه و نظام سياسي، نقش قابل توجهي در افزايش علاقه و دلبستگي افراد به آن‌ها ايفا مي‌نمايد. به همين سبب دروني‌كردن ارزش‌ها و هنجارهاي نظام سياسي و اشاعه‌ی آن‌ها در تك تك افراد از جمله مهم‌ترين وظايف نظام آموزشي محسوب مي‌شود كه هر نوع اختلالي در انجام آن مي‌تواند نتايج ناخوشايندي در پي داشته باشد.» (قادرزاده، ۱۳۹۳)

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

هویت قومی

«در تعریف هویت قومی آمده است: «هویت قومی هر شخص عبارت است از شناخت ارزش‌ها و احساس تعلق فرد نسبت به عضویتش در یک گروه قومی خاص (JACOBSON, 1998:9)». «هویت قومی یک جنبه اساسی از خود است که شامل عضویت در یک گروه قومی، نگرش‌ها و احساسات مربوط به آن وضعیت است. (گدازگر، ۱۳۸۴ :۱۶۲- ۱۳۷ به نقل از Frith, 2000:9)

یک نهاد آموزشی پویا و فعال می‌تواند در زمینه‌ی تقویت خودآگاهی و هویت بومی دانش‌آموزان، بسیار موفق و اثربخش عمل نماید. این مهم زمانی روی می‌دهد که آموزش و پرورش به معنای واقعی کلمه این تنوع در رنگارنگی را به رسمیت بشناسد.

ایران به عنوان پانزدهمین کشور وسیع دنیا از لحاظ آداب و رسوم، گویش، پوشش و به طور کلی ویژگی‌های فرهنگی متشکل از مناطق کاملاً متنوع و متفاوت است. «به طوری که ایران‌شناسان شوروی تعداد ۲۹ قومیت ایران را شناسایی کرده‌اند و نیمی از استان‌های کشور به طور مستقیم درگیر این تنوع قومی هستند.» «استاک و گیدتز به موضوع شناخت افراد از قویت‌شان می‌پردازند. این دو محقق عامل قومیت را به عنوان عاملی قدرتمند فرض می‌کنند که فرد را به گروه پیوند می‌دهد و این پیوندهای قومی می‌تواند تولید قدرت و نیرو نماید.» «به عقیده فردریک بارث ،گروه‌های قومی نباید جدای از واحدهای فرهنگی در نظر گرفته شوند بلکه آن‌ها درون بافت وسیع‌تری از روابط اجتماعی جای می‌گیرند: (گدازگر، ۱۳۸۴ :۱۶۲-۱۳۷)

برنامه‌های متنوع و اثربخش، معلمان بومی و آشنا به فرهنگ هر منطقه می‌تواند روند افزایش آگاهی دانش‌آموزان را نسبت به میراث فکری و فرهنگی منطقه خود تسریع و تسهیل نماید و چنان‌چه نظام تعلیم و تربیت این‌گونه نباشد، دانش‌آموزان دچار دوگانگی فرهنگی و ابهام می‌شوند. از یک سو ارتباط معنادارشان را با میراث نسل قبل خود در معرض خطر دیده و از سوی دیگر تحت تأثیر فضاهای هیجانی ناشی از القائات سایر خرده‌فرهنگ‌ها قرار گرفته و هویت بومی‌شان در آستانه تهدید قرار گیرد. آموزش و پرورش پویا می‌تواند به عنوان یک حلقه‌ی واسط و قدرتمند، میراث رنگارنگ بومی یک منطقه را با تدوین اهداف و برنامه‌های کارآمد و اثربخش در قالب بسته‌های آموزشی مناسب و درگیرکننده (در شکل و محتوا) (learning by doing) به دانش‌آموزانش تقدیم نماید.

هویت ملی

در ابتداء تعریف هویت ملی را مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس به اهمیت نقش آموزش و پرورش

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

در راستای تقویت هویت ملی می‌پردازیم. «هویت ملی از مباحث مهم و برجسته در دنیای امروز است. نیاز به آن و احساس تعلق، وفاداری و گرایش به سمت آن از ضرورت‌های انکارناپذیر در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. با توجه به این که نظام آموزش و پرورش در همه کشورها بزرگ‌ترین نیرو و سرمایه انسانی را در اختیار دارد، می‌تواند یکی از بهترین راه‌های تحکیم و تقویت هویت ملی به شمار آید و برنامه‌های درسی به عنوان یکی از ارکان اصلی این نظام می‌توانند نقشی محوری و کلیدی در شکل‌گیری هویت ملی ایفا کنند.»(لقمان نیا و خامسان،۱۳۸۹ : ۱۷۴-۱۴۷)

«یکی از انواع هویت‌های اجتماعی، هویت ملی است که در عرصه تجلی هویت خانوادگی، قومی، محلی و شهری است. عناصر اصلی شکل‌دهنده‌ی هویت یک ملت را می‌توان به دو بخش محتوایی و صوری تقسیم نمود، بعد محتوایی عناصری مثل فکر، اعتقاد و فرهنگ و بعد صورت، نژاد، جغرافیا و تاریخ را شامل می‌شود، این دو بعد به واقع از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و آن‌چنان در هم تنیده‌شده‌اند که در کل ملیت یک جامعه را تشکیل می‌دهند (شاه طالبی و دیگران ، ۱۳۸۹: ۹۶-۷۳)

«یکی از جامع‌ترین بخش‌های هویت جمعی، «هویت ملی» است که «فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی است» (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۶) و دارای بیشترین اهمیت به لحاظ وحدت و انسجام ملی در درون یک جامعه است. از نظر گرینفلد (۱۹۹۶: ۱۳) در میان هویت‌های اجتماعی متعدد یک فرد، هویت ملی یا «احساس انتساب به مجموعه افکار یا احساساتی که چهارچوب مفهومی هویت ملی را می‌سازند» از مهم‌ترین آن‌هاست (به نقل از محسنی، ۱۳۸۳: ۵۲۷). در بیان رابطه هویت جمعی و ملی معتقد است: «جامع‌ترین هویت جمعی نزد مردم، هویت ملی نامیده می‌شود و نوعی احساس پای‌بندی، دلبستگی و تعهد به اجتماع ملی (عام) است و جزیی از هویت فرد محسوب می‌شود» (رزازی فر، ۱۳۷۹: ۱۰۳). امروزه این مفهوم به قدری اهمیت پیدا کرده که برخی از اندیشمندان، هویت ملی را زیربنای تمامی انواع دیگر هویت‌ها می‌دانند (پول، ۲۰۰۳). لذا همان‌طور که اسمیت (۱۳۸۳) معتقد است هویت ملی را می‌توان «بازتولید و باز تفسیر دائمی ارزش‌ها، نهادها، خاطره‌ها، اسطوره‌ها و سنت‌هایی دانست که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهد و تشخیص هویت افراد با آن الگو، میراث و یا عناصر فرهنگی، امکان‌پذیر است»(لقمان نیا،۱۳۸۹ : ۱۷۴-۱۴۷)

«همان‌طور که کوهن (۱۳۸۶) معتقد است، «مدرسه تنها مکانی برای یادگیری مهارت[هایی مانند] حساب کردن نیست، بلکه مکانی است برای یادگرفتن میهن‌پرستی» (به نقل از میلر، ۱۳۸۶:۸۷). بر این اساس مدارس را باید یکی از مکان‌هایی دانست که در آن هویت ملی مشترک، زایش دوباره می‌یابد

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
سال پانزدهم، شماره اول
بهار۱۴۰۴

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

و کودکان آماده می‌شوند تا به عنوان یک شهروند دموکراتیک در آینده نقش اساسی را در جامعه خود ایفا کنند (میلر، ۱۳۸۶).

هویت جهانی

«از دیگر ابعاد هویت‌های اجتماعی می‌توان به هویت جهانی اشاره کرد. هویت جهانی با فرآیند جهانی شدن معنا می‌یابد فرایندی که به جرأت می‌توان گفت تمامی عرصه‌های زندگی انسانی را تحت تأثیر قرار داده است. جهانی شدن به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های وضعیت بشری در جهان معاصر در نظر گرفته می‌شود.»(شاه طالبی و دیگران، ۱۳۸۹ : ۹۶-۷۳)

«به اعتقاد یونسکو در آموزش‌های فرهنگ شهروندی برای کودکان و نوجوانان امروزه باید بر نکاتی تأکید کرد از جمله آن آشنا کردن دانش‌آموزان با مهارت‌های شهروندی از طریق عضویت در انجمن‌های غیردولتی، درک تفاوت‌های فرهنگی و احترام به دیگر فرهنگ‌ها است. از آن‌جا که تفکر جهانی شهروند در نهایت منجر به عضویت در جامعه جهانی می‌گردد در سطح جهانی بایستی دانش‌آموزان با مفاهیم حقوق بشر آشنا شود؛ مسائل و مشکلات جهانی را یاد بگیرد و بتواند آن‌ها را درک کند (یونسکو، ۲۰۱۰).»(رضایی کلانتری و دیگران، ۱۳۹۰ :)بر اساس بررسی متون و تحقیقات انجام شده، می‌توان گفت که وظیفه اساسی هر فرهنگ در زمینه پرورش اجتماعی، تفهیم معیارهای اخلاقی و ارزشی و شکل‌دهی رفتارهای شایسته در کودک در حال رشد است.. نهادهای آموزشی در انتقال ارزش‌ها و فرهنگ نقش قاطع دارند.»(حسن زاده، ۱۳۸۲)

«برنشتاین و بوردیو، در چارچوب نظرية بازتوليد فرهنگي، به بازخواني نقش آموزش و پرورش در انتقال ارزش‌هاي فرهنگي و اجتماعي پرداخته‌اند. مفهوم بازتوليد فرهنگي، اشاره به وسايلي دارد كه به كمك آن‌ها مدارس بر يادگيري ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادت‌ها تأثير مي‌گذارد(قادرزاده، ۱۳۹۳).

ترویج روحیه‌ی تلاش و امیدواری

آموزش و روش ما نیازمند فضای سازمانی است که در آن کودکان و نوجوانان، افرادی متفکر، خلاق و نوآور و با اعتماد به‌نفس بارآیند، نه مهره‌هایی بی‌جان که در گردونه‌ی زندگی، بی‌اختیار به هر سو روان باشند. مدارس ما باید پرورش‌دهنده دانش‌آموزانی باشند که با جرأت و جسارت و تکیه بر انرژی درونی و تلاش و عملکرد خویش از شکست نهراسند و آن را پلی برای رسیدن به پیروزی بدانند. ... با توجه به ارتباط مثبت میان جو سازمانی با روحیه‌ی کارآفرینی، مسئولان نظام آموزشی در سطح کلان و مدیران

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

و معلمان در سطح خرد با اتخاذ تدابیری مناسب می‌توانند به ایجاد جوی مثبت در مدارس بپردازند، جوی که زمینه مناسب را برای رشد و توسعه‌ی شاخص‌های روحیه‌ی کارآفرینی فراهم کند.»(صمدی و شیرزادی، ۱۳۸۵ : ۱۸۷-۱۶۴)

تولید سرمایه اجتماعی

«فوکویاما بر این باور است که نظام آموزشي بیشترین تأثیر مستقیم را در تولید سرمایه اجتماعي دارد. بـه‌زعـم وي، نهادهاي آموزشي صرفاً سرمایه‌ی انساني را منتقل نمي‌کند؛ بلکه به تولید و ارتقاي سرمایه‌ی اجتماعي در شکل قواعد و هنجارهاي اجتماعي مي‌پردازد (فوکویاما، ۱۹۹۵: ۶۱). بیلانت و ساندرز بر این نکته صحه مي‌گذارند که مدنیت یك شرط محوري براي ظهور و تداوم سرمایه‌ی اجتماعي است.

«آموزش از طریق ارتقاء مهارت‌ها، توانایی‌ها و شایستگی‌های فردی منجر به انباشت سرمایه انسانی در فرد و جامعه می‌شود و دامنه‌ی آزادی فرد را به‌وسیله‌ی افزایش توانمندی‌های او توسعه می‌دهد. برای تبیین تأثیر آموزش بر سرمایه انسانی دو رویکرد عمده وجود: رویکرد بهره‌وری و رویکرد قابلیتی. در رویکرد بهره‌وری، هدف از آموزش تنها افزایش بهره‌وری نیروی کار است اما در رویکرد قابلیتی به آموزش ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی از نتایج میانی است. و آن‌چه بیشتر حائز اهمیت است، ارتقاء فرهنگی و اجتماعی ناشی از آموزش است. از سوی دیگر در نظام بین‌المللی نوین تقسیم کار، آموزش، نقش محوری را در تقسیم کشورهای جهان دارا است و کشورهایی که از نظام آموزشی مطلوب‌تری برخوردارند و توانسته‌اند با استفاده از تولیدات با فناوری بالا و دانش‌بنیان از رشد اقتصادی پایداری برخوردار گردند. بر اساس تجربه دو کشور ژاپن و چین در خصوص آموزش و نظام آموزشی می‌توان نتیجه گرفت که طراحی نظام آموزشی مناسب پیش‌شرط اصلی توسعه‌یافتگی هر کشور و حرکت کشور در مسیر کشورهای جهان اول خواهد بود.» بنابراین «یکی از ابعاد مهم در طراحی سیاست‌های عمومی برای رشد اقتصادی و توسعه انسانی پرداختن به مقوله آموزش است.» (حسینی، ۱۳۸۹ : ۶۶۷-۶۵۷)

اصول و اهداف آموزش و پرورش در پرتو اسناد حقوقی

اصول و اهداف آموزش و پرورش و قانون اساسی

در بند سوم از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است زمینه‌ی آموزش و پرورش رایگان را برای همه و در تمام سطوح فراهم آورد. قانون‌گذار در زمینه تعلیم و تربیت صراحت

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

دارد و در اصل سی‌اُم نیز به وظیفه‌ی دولت در مورد آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه اشاره شده است. در بند اول از اصل چهل و سوم نیز آموزش و پرورش برای همه جزء نیازهای اساسی همه‌ی خانواده‌های ایرانی محسوب شده است.

به نظر می‌رسد در اصل دوم قانون اساسی به ویژه در بند شش آن، اصول و اهداف کلان آموزش و پرورش مد نظر باشد. زیرا پس از این اصل است که قانون‌گذار دولت را موظف نمود جهت نیل به این اهداف برای آموزش و پرورش رایگان برای همه چاره‌اندیشی نماید.

اصول و اهداف آموزش و پرورش از نگاه رهبر جمهوری اسلامی

«بهترین و برجسته‌ترین فکرها باید بنشینند برای آموزش و پرورش طراحی کنند، باید فلسفه آموزش و پرورش سالم و واضح باشد و براساس این فلسفه، افق آینده آموزش و پرورش کشور روشن باشد. معلوم باشد ما دنبال چه هستیم و کجا می‌خواهیم برویم و براساس آن خط‌کشی بشود، برنامه‌ریزی بشود و راه‌ها مشخص بشود. ما به این احتیاج داریم، آموزش و پرورش باید از روزمرگی بیرون بیاید. این اساس حرف است.» (بیانات . ۱۳۸۵/۲/۱۲)

ابلاغ «سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور»، توسط رهبر انقلاب که بر اساس قانون به عنوان یکی از ارکان حکومت جمهوری اسلامی شناخته می‌شود. و اظهار نظرات و احکام ایشان در نظام اداری، حکم اسناد بالادستی را دارد.

رهبر انقلاب در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاست‌های کلی «ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور» را که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، در اردیبهشت ۱۳۹۵ به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کردند.

آن چه را که تحت عنوان سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور در بالا آمد مفاهیم و کلیدواژه‌هایی است که پیش‌تر در سند تحول بنیادین، برنامه‌های توسعه و مصوبات شوراهای عالی انقلاب فرهنگی و آموزش و پرورش آمده است. اما ابلاغ این سیاست‌های از دو جنبه واجد اهمیت و بررسی است. یکی این که تأکید مجدد این ابلاغیه، اهمیت آموزش و پرورش و موضوعات مورد انتظار و مطالبه را چندبرابر می‌کند. از سوی دیگر این ابلاغیه به همه‌ی ابعاد تحول در آموزش و پرورش آن اشاره دارد. گویی رضایت‌بخش نبودن وضع موجود در این ابلاغیه بیشتر وضوح می‌یابد. آن‌جا که از همه‌ی جنبه‌ها و ابعاد آموزش و پرورش نام برده می‌شود. به هر حال این ابلاغیه، یک سند بالادستی است. به همین دلیل نمی‌توان از مسائل کلان آموزش و پرورش صحبت کرد و به آن نپرداخت.

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

اصول و اهداف آموزش و پرورش و سند تحول بنیادین

سند تحول بنیادین اصلی‌ترین سند حقوقی آموزش و پرورش است .این سند، نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی را که آموزش و پرورش، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مصداق آن است، این گونه تعریف نموده است: «نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمان یافته که به عنوان مهم‌ترین عامل انتقال، بسط و اعتلای فرهنگی در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده‌سازی دانش‌آموزان برای تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد را بر عهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد.» (فصل اول کلیات، نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی) در این تعریف، آموزش و پرورش مهم‌ترین عامل انتقال و بسط و تعالی فرهنگی جامعه شناخته شده است. از این دیدگاه، اهداف عالیه‌ی آموزش و پرورش، اهداف عالیه‌ی جامعه نیز محسوب می‌گردند و نقش آموزش و پرورش چیزی بیش از باسواد کردن فرزندان یا حتی انتقال دانش به نسل می‌باشد. به عبارتی هدف اصلی دستگاه تعلیم و تربیت، اعتلای فرهنگی جامعه است.

در ادامه این تعریف، آن‌جا که آمده است: «دست‌یابی به این مرتبه از آمادگی برای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان (با تأکید بر وجوه مشترک انسانی، اسلامی و ایرانی) ضمن ملاحظه‌ی ویژگی‌های فردی و غیر مشترک و نیز در راستای شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه اسلامی مستلزم آن است که تربیت‌یافتگان این نظام، شایستگی‌های لازم برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران را بر اساس نظام معیار اسلامی کسب نمایند.» (فصل اول کلیات، نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی) ضمن اشاره به تفاوت‌های فردی و نقاط اشتراک اجتماعی دانش‌آموزان، به نوعی هدف این دستگاه ایجاد شایستگی‌هایی مبتنی بر مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی می‌باشد.

از سوی دیگر در این سند در تعریف جریان تعلیم و تربیت آمده است: «فرایندی تعالی‌جویانه، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین وتعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه اسلامی فراهم می‌آورد.» (فصل اول کلیات، تعلیم و تربیت) در این تعریف نیز از یک سو جامعیت تعلیم و تربیت تصریح شده است و از سوی دیگر اشاره به هویتی در در خدمت اجتماع و عامل در جهت پیشرفت‌های جامعه‌ی اسلامی.

اهداف کلان نظام آموزش و پرورش، بیش از هر سند دیگر در فصل پنجم سند تحول بنیادین آمده است. در این بخش ذیل هشت بند، اهداف اصلی این دستگاه آورده شده است. اولین هدف کلان، تربیت

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی ۷۸
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

انسانی است با ویژگی‌های متعدد در ابعاد فردی و اجتماعی که به نوعی انتظارات از یک شهروند کامل را در قالب یک هدف اصلی آموزش و پرورش می‌توان مورد مطالعه قرار داد. از اهداف مورد تأکید در این سند می‌توان به نقش و جایگاه آموزش و پرورش در دست‌یابی به اهداف اصلی جامعه‌ی اسلامی اشاره نمود. موضوع عدالت آموزشی نیز در اهداف کلان مطرح شده است. کلیدواژه‌ای که اگر لباس تحقق بر تن نماید، بسیاری از مشکلات و کاستی‌های اجتماعی حل خواهد شد.

نگاهی به مفاهیم و کلیدواژه‌های به کار رفته در اهداف کلان مندرج در سند تحول بنیادین، جهت‌گیری توأم با اولویت‌بندی واضعین سند را به خوبی نشان می‌دهد. واژگانی نظیر: تربیت انسان (با تمام صفات مورد انتظار)، نقش نظام تعلیم و تربیت، عدالت آموزشی، مدیریت، مشارکت، تحول اداری، به‌سازی زیرساخت‌ها، کارآیی و اثربخشی و کسب جایگاه منطقه‌ای مشخص می‌کند که سند تحول بنیادین سودای بزرگی برای آموزش و پرورش در سر دارد. آموزش و پرورش مورد نظر سند، نهادی است محوری که نه تنها باید از پس تحقق اهداف درونی و عملیاتی خودش برآید بلکه باید جامعه را به سمت تعالی برده و حتی آوازه‌ی اثربخشی‌اش به آن سوی مرزها نیز برسد. اهداف کلان سند، لیست مطولی است از ویژگی‌های انسان تحت تربیت این آموزش و پرورش و هنگامی که شهروند تحت تربیت این نهاد از مدرسه خارج شد، می‌تواند نقش‌های فراخ‌تری را برای پیش‌برد اهداف جامعه بازی کند. در فصل پنجم سند تحول که مربوط به اهداف کلان است، می‌خوانیم که:

«۱ـ تربیت انسانی موحد و مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و تلاش‌گر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانت‌دار، دانا و توانا، پاکدامن و با حیاء، انتخاب‌گر و آزادمنش، متعلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین و مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی.

۲ـ ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه‌سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی ـ ایرانی در راستای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، التزام به ارزش‌های اخلاقی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت مطلقه فقیه و

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

مردم‌سالاری دینی، تحکیم وحدت ملی، تقویت روحیه علمی، رعایت حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی، ارتقای آداب و آیین زندگی متعالی، بهداشتی و زیست‌محیطی.

۳- گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی

۴ـ برقراری نظام اثر بخش و کارآمد مدیریت و مدیریت منابع انسانی براساس نظام معیار اسلامی

۵ـ افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی

۶ـ بهسازی و تحول در نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، مالی و اداری و زیرساخت‌های کالبدی

۷ـ ارتقای اثربخشی و افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.

۸ ـ کسب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام و ارتقای فزاینده جایگاه تعلیم و تربیتی ایران در سطح جهانی»

آن چه از بند ۳ به بعد آمده است مربوط است به اهداف واضحی است که آموزش و پرورش موظف به توجه ویژه بدانهاست. از نگاه دیگر می‌توان گفت تا حاکمیت و به طور خاص سیستم آموزش و پرورش به مندرجات بندهای ۳ تا ۵ توجه نکند، مطالباتش در بند ۱ و ۲ در بخش اهداف کلان محقق نخواهد شد. (فصل پنجم هدفهای کلان)

اصول و اهداف آموزش و پرورش و سند چشم‌انداز بیست ساله

سند چشم‌انداز بیست ساله به عنوان یک سند کلان، چشم‌اندازی از ایران ۱۴۰۴ را ترسیم نموده است که جز با آموزش و پرورش تحقق نخواهد یافت. تقریباً همه‌ی بندهای ذیل عناوین اصلی «امور فرهنگی، علمی و فناوری» و «امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی» به طور مستقیم نیازمند تحقق آموزش و پرورش بهینه هستند. به عبارت دیگر آن‌چه در این دو عنوان آمده است، به نوعی اصول و اهداف کلان آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهند.

به عنوان نمونه در بند ۱۱ این سند زیر عنوان امور فرهنگی، علمی و فناوری آمده است: «تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم‌سالاری دینی و نهادینه کردن آزادی‌های مشروع از طریق آموزش، آگاهی‌بخشی و قانونمند کردن آن.» یا در بند ۱۲ زیر عنوان امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی آمده است: «تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقاء سطح شاخص‌هایی از قبیل آموزش ...». این موضوع نشان‌دهنده‌ی این است که هر آن‌چه نیاز به تغییر، تحول و به‌سازی دارد، به آموزش و پرورش نیاز دارد.

در ماده ۱۰ سند چشم‌انداز صریحاً اشاره شده است: « اصلاح نظام آموزشي كشور، شامل: آموزش

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

و پرورش، آموزش فني و حرفه‌اي، آموزش عالي و كارآمد كردن آن براي تأمين منابع انساني مورد نياز در جهت تحقق اهداف چشم انداز.» به عبارتی اگر قرار است توسعه‌ی پایدار را شاهد باشیم، نیازمند نیروی انسانی متخصص و متعهد خواهیم بود. نیروی انسانی که قادر به تحقق اهداف سند چشم‌انداز باشد و این مهم علاوه بر این که مسئولیت بزرگ نظام آموزشی کشور است، نیازمند اصلاح نظام آموزشی نیز است.

در ماده ۱۵ سند چشم‌انداز شاهد نگاه ویژه‌ی قانون‌گذار به نسل جوان هستیم. تحقق این نگاه ویژه نیازمند بسترسازی‌های بنیادین در نهاد آموزش و پرورش است. «تقويت هويت ملي جوانان متناسب با آرمان‌هاي انقلاب اسلامی – فراهم كردن محيط رشد فكري و علمي و تلاش در جهت رفع دغدغه‌هاي شغلي، ازدواج، مسكن و آسيب‌هاي اجتماعي آنان – توجه به مقتضيات دوره جواني و نيازها و تواناييهاي آنان.» همگی مستلزم مجهز نمودن جوانان به نگرش‌ها و مهارت‌هایی است که بتوانند با خودآگاهی و شناخت محیط برای خود و جامعه، افرادی کنشگر باشند.

اصول و اهداف آموزش و پرورش و نقشه جامع علمی کشور

تعریف نقشه جامعه علمی کشور

«نقشه‌ی جامع علمی کشور بنا به تعریف، مجموعه‌ای است جامع و هماهنگ و پویا و آینده‌نگر، شامل مبانی، اهداف، سیاست‌ها و راهبردها، ساختارها و الزامات تحول راهبردی علم و فناوری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی برای دست‌یابی به اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله کشور. در این سند تلاش شده بر مبانی ارزشی و بومی کشور، تجربیات گذشته و نظریه‌ها و نمونه‌های علمی و تجارب عملی تکیه شود.»

نقشه جامع علمی کشور مبتنی بر جهت‌گیری‌های مراجع بالادستی است. در بخشی از مقدمه‌ی آن آمده است: «این نقشه حاصل برنامه‌ریزی و فعالیت و تلاش کارگروه‌های متعدد کارشناسی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ انجام پژوهش‌های گوناگون؛ بهره گرفتن از پژوهش‌های موجود و مشارکت جمع زیادی از صاحب‌نظران و اندیشمندان عرصه علم و فناوری کشور اعم از دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری و مدیریت کلان نظام علمی کشور، مدیران، استادان و پژوهشگران دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، قطب‌ها و انجمن‌های علمی، کارشناسان آموزش و پرورش، صاحب‌نظران حوزه علمیه قم و مدیران و مسئولان علم و فناوری از دستگاه‌ها و بخش‌های اجرایی کشور است.» به نظر می‌رسد همه مراجع دولتی و علمی در تدوین این سند به مشارکت گرفته شده‌اند و اقدامات کارشناسی ایشان که متشکل است از «مجموعه پژوهش‌ها و

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

آرای صاحب‌نظران که پشتوانه علمی و پژوهشی این نقشه محسوب می‌شوند در قالب مجلدات متعدد تحت عنوان اسناد پشتیبان نقشه جامع علمی کشور تنظیم و برای بهره‌برداری به تدریج توسط دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در دسترس عموم قرار می‌گیرد.» (مقدمه صص د ه) این نقشه زمینه‌ساز تحقق اهداف چشم‌انداز بیست ساله در افق ۱۴۰۴ است. از آن‌جا که اصول و اهداف آموزش و پرورش به صراحت در سند مذکور آمده است، می‌توان گفت مسیر اصلی نیل به اهداف کلان نظام تعلیم و تربیت، نقشه جامع علمی کشور است.

اهداف کلان نقشه جامع علمی کشور

در قسمت اهداف کلان نقشه جامع و در تبیین وضع مطلوب علم و فناوری، باز شاهد کلیدواژه‌هایی هستیم که در سایر اسناد حقوقی کلان، مورد استفاده قرار گرفته است. واژگانی نظیر: عدالت‌محوری، انسان فرهیخته، تقویت اخلاق، آزاداندیشی، فناوری‌های نوین و ... . در بخش اهداف کلان نقشه جامع علمی کشور اهداف مرتبط به موضوع آموزش و پرورش، چنین آمده است:

- استقرار جامعه دانش‌بنیان، عدالت‌محور و برخوردار از انسان‌های شایسته و فرهیخته و نخبه برای احراز مرجعیت علمی در جهان،
- تعمیق و گسترش آموزش‌های عمومی و تخصصی همراه با تقویت اخلاق و آزاداندیشی و روحیه خلاقیت در آحاد جامعه، به ویژه نسل جوان؛
- دست‌یابی به توسعه علوم و فناوری‌های نوین و نافع، متناسب با اولویت‌ها و نیازها و مزیت‌های نسبی کشور؛ و انتشار و به کارگیری آن‌ها در نهادهای مختلف آموزشی و صنعتی و خدماتی؛ (ص ۶)

مأموریت دشوار طراحان نقشه این است که انتظار می‌رود آن‌چه را که به عنوان «وضع مطلوب» در ابتدای این سند آورده‌اند، مسیرها و استراتژی‌هایش را نیز به وضوح ترسیم نموده باشند. چرا که این وضع مطلوب به‌طور مبسوط‌تر در سند تحول بنیادین آمده است. این انتظار به‌جایی است که ممکن است در ذهن اهالی آموزش و پرورش از چنین نقشه‌ی جامعی، شکل گرفته باشد.

ضرورت بررسی سند برنامه درس ملی

برنامه‌ی درس ملی به‌عنوان مرجع تعیین‌کننده برای جهت‌گیری‌های اصلی معلم است، برنامه درس ملی به عنوان یک سند کلان در بررسی مأموریت آموزش و پرورش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این سند دارای پشتوانه‌های حقوقی مناسبی است. چرا که از شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

و پرورش مصوبه داشته و جهت بازخوانی و بازتولید تمام زیرنظام‌ها و مؤلفه‌های خرد و کلان نظام تعلیم و تربیت در دستور کار وزارت آموزش و پرورش قرار گرفته است.

دبیرخانه این طرح اولیه در سال ۱۳۸۴ تشکیل شد. مصوبه‌ی آن نیز در هفتصد و چهل و پنجمین جلسه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۶ به تصویب رسید. این مصوبه ماده واحده‌ی تشکیل کمیسیون راهبری تولید و تدوین برنامه درسی ملی را این‌گونه بیان می‌دارد: «شورای آموزش و پرورش مقرر می‌دارد وزارت آموزش و پرورش، کمیسیون راهبري برنامه درسي ملي را ... تشکیل داده و برنامه درسي ملي را حداکثر ظرف مدت دو سال جهت بررسي و تصويب به شوراي عالي آموزش و پرورش ارائه نماید.»

تعریف سند برنامه درس ملی

برنامه درسي ملي سندي است که نقشه کلان برنامه درسي و چارچوب نظام برنامه‌ريزي درسي کشور را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوري اسلامي ايران تعيين و تبيين مي‌نمايد.

در پیش گفتار این سند آمده است: «تحول بنیادین در آموزش و پرورش، تحولی عمیق و ریشه‌ای است که به تحول در مفاهیم نظری، روندها و فرایندها، نقش‌ها و کارکردها و رویکردها منجر خواهد شد. در تحول بنیادین نوع نگاه به معلم، کتاب، مدرسه، کلاس درس و به‌ویژه دانش‌آموز دگرگون خواهد شد. این نگاه، معلم را در قله می‌بیند و همه شرایط و امکانات را برای الگوپذیری و تأسی دانش‌آموز به معلم جهت دست‌یابی به قله‌های انسانیت، علم و ادب و اخلاق فراهم می‌آورد. تفکر و تعقل، خلاقیت و نوآوری، بهره‌مندی از روش‌های نوین و فن‌آوری‌های جدید، ایجاد محیطی با نشاط و شاداب، برپایی مدرسه دوست‌داشتنی، همه و همه در خدمت تربیت دانش‌آموزان برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه و قرب الهی می‌باشند. تحقق این مهم نیازمند بازمهندسی نیروی انسانی با محوریت استقرار نظام رتبه‌بندی و نظام جذب و نگه‌داشت معلمان می‌باشد که به لطف الهی در دستور کار قرار دارد.» به نوعی، جایگاهی که سند برای دانش‌آموز در نظر گرفته است مقصد مطلوبی است که نیل به آن تنها از پس معلم برمی‌آید. نقش معلم بر این اساس یک نقش کلیدی است.

اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی

بی‌تردید در تدوین هر مجموعه‌ای به یک سری اصول نیاز داریم. پشتوانه‌های محکمی که بتوانیم بنای

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

خود را بر آن‌ها تکیه دهیم. این اصول نشان می‌دهد که چارچوب کلی برنامه درس ملی چیست. «این اصول به صورت هماهنگ و درهم‌تنیده ناظر بر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت برنامه‌های درسی و تربیتی از سطح ملی تا سطح مدرسه است». این اصول عبارتند از:

«**۱ـ دین‌محوری:** تمامی اجزا و عناصر برنامه‌های درسی و تربیتی باید مبتنی بر مبانی توحیدی و اصول و ارزش‌های اسلام ناب محمدیص باشد. این اصل بر سایر اصول نیز حاکم می‌باشد.

۲ـ تقویت هویت ملی: برنامه‌های درسی و تربیتی باید زمینه تقویت و پایداری هویت ملی را با تأکید بر تعمیق باورها و ارزش‌های اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، زبان و ادبیات فارسی، ارزش‌های انقلاب اسلامی، میهن‌دوستی، وحدت و انسجام فرهنگی، استقلال ملی و همبستگی اسلامی فراهم آورد.

۳ـ اعتبار نقش یادگیرنده: برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه دانش‌آموز در فرایند یاددهی ـ یادگیری و تربیت‌پذیری توجه نماید و زمینه تقویت و توسعه روحیه پرسش‌گری، پژوهش‌گری، خلاقیت و کارآفرینی را در وی فراهم سازد.

۴ـ اعتبار نقش مرجعیت معلم (مربی): برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش مرجعیت معلم در هدایت تربیتی برای تقدم تزکیه بر تعلیم، غنی‌سازی محیط تربیتی و یادگیری، فعال‌سازی دانش‌آموزان در فرایند یادگیری و تربیت‌پذیری و ترغیب آنان نسبت به یادگیری مستمر توجه نماید. همچنین زمینه‌ی ارتقاء صلاحیت‌های اعتقادی، اخلاقی، حرفه‌ای و تخصصی معلم را فراهم سازد.

۵ـ اعتبار نقش پایه‌ای خانواده: برنامه‌های درسی و تربیتی باید ضمن تقویت بنیان خانواده و تحکیم مناسبات خانوادگی و صله رحم، زمینه کسب شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم برای تشکیل و مدیریت خانواده مبتنی بر ارزش‌ها و معارف الهی و تعمیق آداب و سبک زندگی اسلامی ـ ایرانی دانش‌آموزان را فراهم آورد.

۶ـ جامعیت: برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نیازهای گوناگون دانش‌آموزان و جامعه در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی در کلیه‌ی ساحت‌های تعلیم و تربیت تأکید کند.

۷ـ توجه به تفاوت‌ها: برنامه‌های درسی و تربیتی باید ضمن تأکید بر ویژگی‌های مشترک، به تفاوت‌های ناشی از محیط زندگی (شهری، روستای، عشایری، فرهنگی و جغرافیایی)، جنسیتی و فردی دانش‌آموزان (استعدادهای، توانایی‌ها، نیازها و علایق) توجه کرده و از انعطاف لازم برخوردار باشد.

۸ـ تعادل: برنامه‌های درسی و تربیتی باید به رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط و رعایت تناسب و

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

توازن در توجه به ساحت‌های تعلیم و تربیت، هدف و محتوا و بهره‌گیری از روش‌های متفاوت در طراحی، تولید، اجرا و ارزش‌یابی از برنامه‌ها پایبند باشد.

۹ـ یادگیری مادام‌العمر: برنامه‌های درسی و تربیتی باید زمینه کسب شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم برای استمرار و معنادار شدن یادگیری و پیوستگی تجارب یادگیری در زندگی را برای دانش‌آموزان تأمین کند.

۱۰ـ جلب مشارکت و تعامل: فرآیند برنامه‌ریزی درسی و تربیتی باید زمینه مشارکت و تعامل مؤثر معلمان، دانش‌آموزان، خانواده‌ها و سایر گروه‌های ذینفع، ذیربط و ذیصلاح را در طراحی، تولید، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌ها فراهم نماید.

۱۱ـ یکپارچگی و فراگیری: برنامه‌های درسی و تربیتی باید برای تمام دانش‌آموزان (دانش‌آموزان عادی، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و استعدادهای درخشان) به صورت به‌هم پیوسته و یک‌پارچه طراحی و تدوین شود. این برنامه‌ها باید با رعایت انعطاف‌پذیری، با نیازهای هر یک از گروه‌های دانش‌آموزان با نیازها و استعدادهای خاص انطباق و سازگاری داده شود.»

در واقع سند برنامه‌ی درس ملی عمارت خواسته‌هایش را که منطبق بر سند تحول بنیادین است، بر این ستون‌های یازده‌گانه بنا می‌نماید. به نظر می‌رسد این یازده اصل از جامعیت کافی برای تدوین یک سند ملی که بر پایه‌ی آن بتوان محتواهای آموزشی کارا و اثربخش تدوین کرد؛ برخوردار است.

عوامل تاثیرگذار در عدم تحقق بخشی از اهداف آموزش و پرورش

ساختار اداری

نظام دیوان‌سالار همواره میل به بزرگی و دخالت حداکثری دارد. اما به مرور زمان، روندها نقض قرض کرده و نظام دیوان‌سالار به اهداف کیفی و حتی اهداف کمی خود نایل نخواهند شد. «از مسائل جاری دیوان‌سالاری که به نظر می‌آید هرگز راه حلی برای آن یافت نشود، ایجاد تعادل میان قدرت کنترل مرکزی با آزادی عمل کارکنان زیردست، به ویژه کسانی است که در حوزه‌هایی دورتر از اداره مرکزی کار می‌کنند. (Roe ۱۹۹۵). سازمان اداره مرکزی معمولاً تمایل به اجرای دقیق مقررات نشان می‌دهد تا از آن طریق تصمیمات را از پیش برنامه‌ریزی کند.» (لباف

فضای کالبدی

«کمیت و کیفیت فضاها در آموزش و یادگیری نقش به سزایی دارد. گرما یا سرمای بیش از حد

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

کلاس، نامناسب بودن نور و نظافت کلاس، سر و صدای غیرمعقول و تعداد بیش از حد دانش‌آموزان در کلاس موجب کاهش کیفیت تدریس و یادگیری می‌شود. معماری و فضای مدارس یکی از پارامترهای مؤثر تربیتی و آموزشی در امر تعلیم و تربیت نوین به شمار می‌رود و همان‌گونه که صاحبان اندیشه در بررسی مسائل آموزشی همواره عوامل گوناگون چون خانواده، معلم، روش تدریس، کتب درسی، مدیریت آموزشی و غیره را به عنوان عوامل مؤثر در فرایند تحصیلی مورد تأکید قرار می‌دهند. معماری یا فضای فیزیکی مدرسه نیز در این میان به عنوان یک عامل زنده و پویا در کیفیت فعالیت‌های آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان ایفای نقش می‌کند (کریمی، علی ۱۳۸۴).

«چند سال پیش سازمان نوسازی و تجهیز مدارس از بچه‌ها خواست مدرسه‌ای را که دوست دارند نقاشی کنند. در اکثر نقاشی‌ها دخترها یک شاخه گل روی میز معلم‌ها گذاشتند و پسرها زمین فوتبال کشیدند. واقعیت این است که دیوارهای زخمی و کثیف، رنگ‌های بی‌روح، نیمکت‌های چوبی با یک عالم کنده‌کاری روی میزهایش و یا نیمکت‌های فلزی که گوشه‌هایشان فرو رفته‌اند، دستشویی‌های کثیف، شیرهای آب خراب، حیاط‌های کوچک بدون فضای سبز یا بدون امکان ورزش و بازی شکل غالب مدارس ما است و خاطرات بسیاری از ما را هم از واژه‌ی مدرسه تشکیل می‌دهد (تاج‌الدین . ضیاء ۱۳۸۲)

«مدت‌ها است در جهان برنامه‌های آموزشی و به دنبال آن فضاهای آموزشی تغییر زیادی کرده‌اند. به عنوان مثال امروزه از هر فضایی در مدرسه برای آموزش دانش‌آموزان به بهترین وجه بهره‌برداری می‌شود. بچه‌های امروزی دیگر محکوم نیستند ساعت‌ها ثابت در نیمکت‌ها بنشینند. بلکه در صندلی‌های تک نفره‌ای می‌نشینند که سطح میز آن‌ها برای استفاده از وسایل آزمایشگاهی و کمک آموزشی صاف است. با وجود این صندلی‌ها، معلمان می‌توانند متناسب با هر فعالیتی نحوه آرایش کلاس را تغییر دهند. (کوهستانی، علی، ۱۳۷۶).

«رنگ‌ها بر فرایند یادگیری تأثیر مستقیم دارند. رنگی که در کلاس به کار می‌رود، نوعی کارایی دارد، رنگ راه‌روها نوعی دیگر و رنگ و مصالحی که در حیاط مدرسه به کار می‌رود نیز تأثیر دیگری به جا می‌گذارد. به عنوان مثال رنگی که در حیاط مدرسه به کار می‌رود می‌تواند بچه‌ها را به نشاط و تفریح وا دارد و یا موجب شود آن‌ها تجدید قوا کنند، وجود فضای سبز در حیاط مدرسه، مدرسه را زیبا می‌کند و اضطراب را کاهش می‌دهد (براون، جورج ۱۳۹۸).

«فضای فیزیکی کلاس عبارت از محدوده کلاس، موقعیت جغرافیایی، صندلی و نیمکت، رنگ و تمیزی، وسایل گرامیشی و سرمایشی، فرسودگی بنا یا نو بودن و اموری از این دست است که در جذابیت

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
سال پانزدهم، شماره اول
بهار ۱۴۰۴

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

تأثیرگذار است. معمولاً کلاس‌های کهنه و قریب‌التخریب، با نیمکت‌های شکسته و قدیمی و در موقعیت عبور و مرور دانش‌آموزان (مثل کلاس‌های کنار پله) با جذابیت ناسازگار است و برای دانش‌آموز محیطی خوشایند نمی‌باشد. (حمیدرضا ترکمندی).»

بررسی‌ها نشان می‌دهد که «فضاهای آموزش و پرورش بر کارایی برنامه‌های آموزشی اثر می‌گذارد.» (سلیمانی، افشین. ۱۳۸۳) و در نهایت نظام آموزشی به اهداف و مأموریت‌های خود نخواهد رسید. (باخدا و دیگران ، ۱۳۹۲: ۲۶-۹)

نیروی انسانی

به نظر می‌رسد گزینش نیروی انسانی در آموزش و پرورش که به لحاظ کمی و کیفی در میان سایر نهادها اهمیت بیشتری دارد (قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پروراسلامی)، از جامعیت لازم برخوردار نیست. این عدم جامعیت و اثربخشی، هم در حوزه‌ی قوانین و مقررات و هم در حیطه‌ی ماهیتی که باید مورد تفحص و بررسی قرار گیرد، قابل مشاهده و ملموس است. ضمن این که گزینش در حوزه‌ی آموزش و پرورش توسط بخشی از همین نیروی انسانی انجام می‌شود که این‌جا در حال آسیب‌شناسی آن هستیم. موضوع حائز اهمیت این است که همان‌طور که بررسی‌ها نیز نشان می‌دهند، این حوزه دارای اشکالات جدی است که نتیجه‌ی آن را به طور مستقیم در روندهای کیفی آموزش و پرورش مشاهده می‌کنیم. جمله‌ی معروفی در این حوزه وجود دارد که به درستی و صراحت میزان آسیب ناشی از عملکرد ضعیف گزینش را نشان می‌دهد: «آموزش خوب، گزینش بد را جبران نمی‌کند.»(فرهی بوزنجانی، ۱۳۹۲: ۱۲۲-۱۲۱)

«اکثر مطالعات، معلمان را با سایر متخصصان مقایسه کرده‌اند و غالباً دریافته‌اند که معلمان مدارس یکی از بالاترین و بیشترین سطوح تنش شغلی را گزارش کرده‌اند،(بختیارپور، ۱۳۸۲: ۹۸-۷۲)

محتوای آموزشی و برنامه درسی

تفاوت دو نوع نگاه نتیجه‌گرا و فرایندمدار در آموزش کودکان منجر به تفاوت در روش‌هایی می‌گردد که هم نقش معلم و دانش‌آموز را در کلاس به طور متفاوتی رقم می‌زند و هم نتایج آن به طور کلی متفاوت خواهد بود. «در برنامه درسی موضوع‌مدار معلم به عنوان مرجعی تلقی می‌شود که در زمینه محتوا و روش تدریس حوزه‌ای از معرفت نظام‌دار، صاحب‌نظر است. در رابطه با آن معرفت، متعلم فرد نابالغی است که در مدرسه حضور یافته تا آن را کسب کرده و در آن تبحر پیداکند. در چهارچوب چنین برنامه‌ای رابطه معلم و شاگردی عمدتاً بر منطق موضوع درس مبتنی است. در مقابل شیوه موضوع‌مدارانه، پرورش‌کار

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

فرایندمدار برای پی‌ریزی مبنای رابطه معلم و شاگرد به علایق شاگرد توجه می‌کند. محور رابطه را کودک تشکیل می‌دهد نه موضوع برنامه. معلم راهنمای فرایند یادگیری است ولی بر آن اعمال سلطه نمی‌کند.» (برنامه درسی موضوع مدار و فرایند مدار) دانش‌آموز در نظام آموزشی که عملاً بر نتیجه‌گرایی تأکید دارد و کتاب (محتوا) از دانش‌آموز مهم‌تر باشد، به تدریج به ماشین حفظ مطالب و ارائه پاسخ صحیح به سوالات تبدیل می‌شود. محتوا در این حالت مانع ارتباط کیفی معلم با دانش‌آموز می‌شود. اما اگر دانش‌آموز رکن کلاس باشد، کتاب ابزار یادگیری خواهد بود. دانش‌آموز درگیر کار می‌شود و با تفکر و انجام دادن یاد می‌گیرد و معلم به جایگاه اصلی خود یعنی راهبری تکیه می‌زند.

والدین

با نگاهی گذرا به اسناد بالادستی درمی‌یابیم که نقشی که برای والدین تعریف شده است نقشی کلیدی است. قوانین و مقررات بر نقش خانواده به ویژه در تربیت فرزندان تأکید دارند. «امروز موضوع تربیت اجتماعی دانش‌آموزان در اسناد تحولی آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته است در همین راستا توجه به نهاد خانواده به ویژه والدین و فراهم آوردن شرایط برای ارتقای دانش و آگاهی ایشان در این امر ضروری می‌نماید.»

«نتایج پژوهش‌های انجام شده به اهمیت نقش والدین در کسب مهارت‌های اجتماعی کودکان اشاره دارد و نشان می‌دهد که آگاهی و میزان سواد والدین درباره تربیت اجتماعی فرزندان در تغییر دادن نگرش ایشان و تربیت اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر است. (طالب‌زاده نوبریان و همکاران، ۱۳۹۱؛ وحیدا، جهانبخش و فرنیا، ۱۳۹۱). بر این اساس آگاهی‌های تربیتی والدین می‌تواند تأثیری معنادار در تربیت جسمانی، عاطفی، شناختی و اجتماعی داشته باشد. آموزش والدین روشی مؤثر برای اصلاح رفتارهای مخرب و سلوک دانش‌آموزان است (ملایی نژاد و دیگران، ۱۳۹۶ : ۱۱۸-۹۱)

افزایش کانون‌های مؤثر در شکل‌گیری فکر و رفتار کودکان وظیفه‌ی والدین را با پیچیدگی‌های بیشتر مواجه ساخته است. اما «آگاهی والدین از شیوه‌های تربیتی نوین و روزآمد متناسب با پدیده‌های اجتماعی جامعه امروز می‌تواند نگرش آنان را نسبت به تربیت فرزندان تغییر دهد و سبب کاهش مسائل و مشکلات مبتلابه شود. هم‌چنین می‌تواند از پدید آمدن مسائل جدید پیشگیری کند.» (ملایی نژاد و دیگران، ۱۳۹۶ : ۱۱۸-۹۱)

مهارت‌آموزی

در وصف ویژگی تربیت‌یافتگان مطلوب نظام آموزش و پرورش در سند تحول بنیادین آمده است:

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

«داراي حداقل یک مهارت مفید براي تأمین معاش حلال باشند، به گونه‌اي که در صورت جدایی از نظام تعلیم و تربیت رسمی در هر مرحله، توانایی تأمین زندگی خود و اداره‌ی خانواده را داشته باشند.» بنابراین انتظار می‌رود که دانش‌آموزان پس از پایان دوره‌ی دوم متوسطه حتی اگر قصد ادامه تحصیل نیز نداشته باشند، بتوانند با فراگیری مهارت‌هایی وارد جامعه شوند. «کومنیوس بر آن است که آموزش از یک سو باید دانش‌آموزان را برای رفتن به دوره‌های بالاتر آماده کند و از سوی دیگر برای وارد شدن به جامعه و زندگانی عملی. از این رو آموزش باید چنان باشد که اگر دانش‌آموزی نخواست یا نتوانست به دوره‌های بعدی وارد شود، بتواند با آن‌چه در مدرسه فرا گرفته، به خوبی زندگانی کند. از این جاست که آموزش حرفه‌ای نیز باید جزیی از برنامه باشد.» (آموزش . پیشرفت تحصیلی . آمادگی شغلی)

راسل معتقد بود: «باید به سوی دو هدف گام بردارد؛ یکی آماده کردن مردان و زنان برای حرفه‌های معین و دیگر فراهم آوردن زمینه‌ای برای پژوهش و جستجوی دانش بی‌توجه به سود آنی آن.» (اهداف آموزش عالی . راسل)

در سند برنامه‌ی درسی ملی آمده است: «دوره متوسطه دوم دارای سه شاخه نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش است؛ هر یک از شاخه‌های این دوره دارای رشته‌هایی خواهد بود که تنوع آن‌ها بر اساس نیاز جامعه، اقتضای زمان و امکان اجرای آن تعیین می‌شود.»

«تأمل در مفهوم و رسالت آموزش‌های مهارتی، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش در نگاهی ملی و بین‌المللی و تعمق در وضعیت فارغ‌التحصیلان این آموزش‌ها در نظام آموزش متوسطه کشور، از تعارضی اساسی و آسیبی جدی حکایت دارد. به بیانی دقیق‌تر، در نگاهی ملی، تعریف آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای و کار و دانش به آموزش‌های مهیاکننده‌ی شرایط و موجبات ایجاد مهارت‌های لازم و ارتقاء دانش افراد و به فعالیت درآوردن استعدادهای نهفته آنان، آماده کردن افراد برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار و یا افزایش کارآیی، توانایی و مهارت آنان برای انجام کارها (کلیات نظام جدید آموزش متوسطه، ۱۳۷۳، دبیرخانه شورای عالی هماهنگی فنی وحرفه‌ای، ۱۳۶۸) و ترسیم اهدافی چون «اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و پرورش ملکات و صفات اخلاقی، بینش سیاسی و اجتماعی، شناخت بهتر استعداد و علایق دانش‌آموزان و ایجاد زمینه‌ی مناسب برای هدایت آن‌ها به سمت اشتغال مفید و احراز آمادگی نسبی برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌های علمی و کاربردی (فناوری)» (ملکی، ۱۳۷۹) برای آنان و در نگاهی جهانی، ترسیم رسالتی مانند «تحقق اهداف فرهنگی صلح، توسعه‌ی پایدار مبتنی بر محیط زیست سالم و همبستگی اجتماعی و شهروندی اجتماعی و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

در عصر حاضر متناسب با چالش‌های پیش روی آن مانند انفجار دانش، اطلاعات و انقلاب فناوری اطلاعاتی و ... » (دومین کنگروه جهانی آموزش فنی و حرفه‌ای، ۱۹۹۹)، نقشی چون کمک به کاهش فقر، افزایش امنیت غذایی و ارتقاء انسجام اجتماعی، ارتقاء مهارت و توانایی و ظرفیت‌های فنی و حرفه‌ای افراد، بهبود ارتباط بین آموزش و دنیای کار (یونسکو، ۲۰۱۲)، کمک به «رشد حرفه‌ای برای آینده» از قبیل کمک به افراد در پیدا کردن شغل، کمک به رقابتی شدن مشاغل در استرالیا و کمک به موفقیت جوامع از طریق مهیا کردن آموزش‌های با کیفیت بالا و ایجاد فرصت‌های یادگیری برای نیروی کار (هنری، ۲۰۰۴)، کمک به رفاه شغلی افراد به دلیل نیاز اکثر شاغلان به آموزش (انجمن استرالیایی خدمات اجتماعی، ۲۰۰۷) و همچنین ارتقاء درآمدهای افراد شرکت‌کننده در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (کارمل، مارک و نگوین، ۲۰۰۹) ایجاب می‌کند که این آموزش‌ها از جایگاه و وضعیت مناسبی در نظام آموزشی کشور برخوردار بوده و برون‌دادهای آن‌ها، کارآیی و اثربخشی بالایی داشته باشند.»

سرمایه انسانی

تجربه‌ی ژاپن نشان داد که زمانی می‌توانیم دانش‌آموزان را تبدیل به سرمایه‌ی اجتماعی نماییم که آموزش و پرورش برای توسعه کشور، محوریت داشته باشد. «تجربه کشور ژاپن در زمینه آموزش نشان‌دهنده‌ی نقش آموزش و سیستم آموزشی مناسب در قرار دادن یک کشور در موقعیتی برتر در تقسیم کار بین‌المللی است. بر این اساس آموزش در دوره‌های دبیرستان و دانشگاهی به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم که نظام آموزشی این کشور متأثر از نظام آموزشی آمریکا به عنوان رهبر ابداعات و اختراعات جهان، بوده است؛ تأثیر قابل توجهی بر توسعه اقتصادی این کشور داشته است... بنابراین طراحی یک نظام آموزشی متناسب با شرایط فرهنگی، اقتصادی و فنی هر کشور می‌تواند نقش بسیار مهمی در توسعه‌ی اقتصادی کشور و قرار گرفتن در موقعیتی مناسب در عرصه‌های بین‌المللی داشته باشد. ... طراحی یک نظام آموزشی مناسب که زمینه‌های بروز خلاقیت و ارتقاء مهارت‌ها و توانایی‌های افراد را مهیا سازد و منجر به انباشت سرمایه انسانی لازم در کشور گردد تنها راه خروج کشور از مدارهای توسعه‌نیافتگی و رسیدن به مرز توسعه یافتگی است (حسینی و طاهری فرد، ۱۳۸۹ : ۶۶-۵۷).

شیوه‌های آموزش و ارزشیابی

شیوه‌های آموزشی در اکثر کشورهای دنیا از دیرباز مورد نقدهای جدی قرار گرفته است. زیرا بیم آن می‌رود که فراگیران را از تفکر باز دارد و آن‌ها را تبدیل به ماشین‌های حفظ مطالب نماید. «فرانسیس بیکن در انتقاد از چگونگی آموزش زمان خود می‌گوید: در مدرسه‌ها، آکادمی‌ها، کالج‌ها، و سازمان‌های مانند

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

آن‌ها که باید برای گسترش فرهنگ و پرورش انسان‌های با فرهنگ باشند، همه چیز مخالف پیشرفت علم است. زیرا درس‌ها و تمرین‌ها چنان ترتیب یافته‌اند که اندیشیدن به هر چیزی بیرون از روال عادی را بس دشوار می‌کنند؛ و اگر یکی دو نفر پیدا شوند که بخواهند آزادانه قضاوت کنند، باید همه کار را خود بر عهده گیرند و نمی‌توانند از همکاری دیگران برخوردار شوند. و اگر این را هم تحمل کنند، کوشش و بزرگی اندیشه خود را مانع کوچکی در راه پیروزی خود نخواهند یافت. زیرا در این سازمان‌ها هرگونه مطالعه‌ای محدود و حتی محبوس است در نوشته‌های افراد مشخص که بیرون رفتن از خط آن‌ها، همراه متهم شدن است به آشوبگری و بدعت‌گذاری....»(Bacon,1955: 510)

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

نتیجه‌گیری

اسناد حقوقی مرتبط با نظام آموزش و پرورش، هم دارای ویژگی‌های مثبت و سازنده است و هم با نگاهی کارشناسانه، می‌توان نقدهایی جدی را به آن وارد کرد. در این بخش سعی می‌شود به هر دو وجه مثبت و منفی ویژگی‌های اسناد حقوق بالادستی این دستگاه پراهمیت بپردازیم.

این اهداف دارای ویژگی های مثبتی می باشد مانند اینکه :جامعِ تمام ابعاد آموزشی و پرورشی است؛ شامل همه‌ی دوره‌های سنی و تحصیلی می‌گردد. آموزش را برای تمام کودکان رایگان و اجباری می‌داند. اما دارای ضعفهایی نیز می باشد از جمله آینکه: به مقوله‌ی آموزش و پرورش، نگاهی آرمانی دارد. از تعدد و حجم بالایی برخوردارند. بسیاری از گزاره‌هایش در سطوح مختلف تکراری است. بسیاری از گزاره‌هایش شعاری است. تلاش دارد مخاطبانش را هم‌شکل تربیت نماید. به تمرکزگرایی تمایل دارد. بیش از حق‌مدار بودن، تکلیف‌مدار است. بیش از شفافیت، دارای ابهام است.

گذشته از نقدهای وارده بر اهداف و رسالت های آموزش و پرورش از جهت نظری، در تحقق اهداف یاد شده مشکلات ساختاری و کارکردی متعددی داریم که مانع از نحقق کامل همین اهداف شده است .

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع

۱)آزاد، سمانه ، موانعی که سر راه تحول سبز شده‌اند؛ مشکلات اجرای سند تحول بنیادین از زبان مدیران، مجله رشد مدیریت مدرسه، اسفند ۱۳۹۱ – شماره ۹۱ ، (از ۴ تا ۷)

۲) باخدا، سیدجمال؛ احمدی، اقبال؛ محمد، ناهید؛ خورشیدپور، زهرا ، نقش مدیریت فضاهای آموزشی مدارس در یاددهی ـ یادگیری دانش‌آموزان ، پژوهش‌های علوم انسانی ، بهمن ۱۳۹۲، سال پنجم ، شماره ۲۹ (از ۹ تا ۲۶)

۳)بختیارپور، پروین ، بررسی وضعیت بهداشت روانی معلمان استان اصفهان در سال تحصیلی ۷۹-۸۰ ، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، تابستان ۱۳۸۲ . شماره ۱۶ (از ۷۹ تا ۹۸)

۴)بذرافشان مقدم، مجتبی، شوقی، مریم، رحمان‌خواه، راحیل، جایگاه نظارت و راهنمایی تعلیماتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مجله پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، سال پنجم – شماره ۱۰ ، (از ۲۳ تا ۴۳)

۵)بصیری، بتول، نصر، احمد رضا، میرشاه جعفری، سید ابراهیم، مهر محمدی، محمود، واکاوی و تبیین نیازهای فرهنگی، تربیتی و اجتماعی اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان در راستای تحقق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حوزه‌ی فرهنگ، مجله دین و ارتباطات، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ، شماره ۴۶، (از ۵۶ تا ۸۷)

۶) حسن زاده، رمضان نقش و کارکردهای نهادهای آموزشی در انتقال ارزش های اجتماعی - فرهنگی، نوآوریهای آموزشی ، سال دوم ، تابستان ۱۳۸۲ شماره ۴

۷)حسینی، سید جعفر ، طاهری فرد، علی، نگاهی به نقش آموزش در توسعه سرمایه انسانی ، رهیافت ، شماره ۴۷ . پاییز و زمستان ۱۳۸۹ . (۵۷ تا ۶۶)

۸) رضایی کلانتری، مرضیه؛ حسن‌زاده، رمضان؛ موسوی جعفرکلایی، سیدمحسن ، تأثیر مولفه‌های آموزش و پرورش در شکل‌گیری هویت ملی دانش‌اموزان ، فصل‌نامه رهبری و مدیریت آموزشی ، ۱۳۹۰،. پاییز ۷۱

۹)رضوی ، اقدس سادات ، نوجوانی و هویت یابی، فصلنامه مشاور مدرسه ، دوره پنجم . شماره ۱ . پاییز ۸۸

۱۰)رهبری، مهدی؛ بلباسی، میثم ؛ قربی، سید محمد جواد، هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ج.ا.ایران، نشریه مطالعات ملی، بهار ۱۳۹۴ ، شماره ۶۱ (۴۵ تا ۶۶)

۱۱) صمدی، پروین ، . شیرزادی اصفهانی، هما ، بررسی رابطه جو سازمانی مدرسه با روحیه کارآفرینی در دانش آموزان ، فصلنامه علمی پژوهشی نوآوری های آموزشی، تابستان ۱۳۸۵ ، شماره ۱۶ ، (۱۶۴ تا ۱۸۷)

۱۲)گدازگر، حسین؛ فتحی، لاله، دانش‌آموزان دختر: هویت دینی یا هویت قومی؟ ، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی ، تابستان و پاییز ۱۳۸۴ . شماره ۲۱ . (۱۳۷ تا ۱۶۲)

۱۳) فرهی بوزنجانی، برزو، سلطانی، محمدرضا و سمواتی، محمد هادی ، آسیب‌شناسی نظام گزینش دستگاه‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران . فصل‌نامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، دانشگاه جامع امام حسین . سال چهارم ، شماره ۱۳۹۱(صص ۱۲۱ -۱۲۲)

۱۴) قادرزاده، امید، آموزش و پرورش و هویت دینی و ملی، مطالعه پیمایشی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر بانه، فصلنامه مطالعات ملی،سال پانزدهم،. شماره ۳، (۵۹) ، ۱۳۹۳

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]

۱۵) لباف،حسن ودلوی، محمد رضا ، اصلاح ساختاری در دستگاه اداری دولت ،. تحول اداری . دوره دهم . شماره ۵۳
۱۶) لقمان‌نیا، م و خامسان، الف. ۱۳۸۹، جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران ، تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۱۳۸۹، ۱۰ (۱۴۷ تا ۱۷۴)
۱۷) له تان گوی، ترجمه باقر شیخاوندی، آموزش و پرورش: اهمیت تاریخی آموزش و پرورش ، علوم اجتماعی: مطالعات جامعه شناختی، دوره قدیم، زمستان ۱۳۴۸ شماره ۳ ،۱۵۱) تا (۱۶۷
۱۸) ملایی نژاد، اعظم؛زین آبادی، حسن رضا؛کیامنش، علیرضا؛عباسیان، حسین ، نیازهای آموزشی والدین دانش آموزان دوره ابتدایی در حوزه تربیت روانشناسی ، خانواده و پژوهش ، زمستان ۱۳۹۶ ، شماره ۳۷، (۹۱ تا ۱۱۸)
۱۹) شاه‌طالبی، بدری؛ قلی‌زاده، آذر؛ شریفی، سعید؛ ۱۳۸۹، تدوین مولفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه‌های هویت ملی و جهانی برای دانش اموزان دوره راهنمایی تحصیلی. (فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی) ، ۱۳۸۹، شماره ۱۲ (۷۳ تا ۹۶)
۲۰) شهرزاد بخشایش، فاطمه، رویکرد علوم اجتماعی در سند تحول بنیادین ، رشد آموزش علوم اجتماعی، پاییز ۱۳۹۱ - دوره ۱۵، (از ۲۲ تا ۳۰)
21) Bacon,F . Selected WWritings, Modern Library, New York, 1955, P. 510.

DOI.01.01.02

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

فنازاده، رضا (۱۴۰۴)، «وضعیت و چشم انداز رسالت¬های آموزش و پرورش در اسناد حقوقی بالادستی» فصلنامه پیشرفت و توسعه نهادی، س۱، ش۱، بهار ۱۴۰۴، صص ۵۴-۲۷.

انجمن علمی توسعه نهادی ایران
پیشرفت و توسعه نهادی
۵۴
سال پانزدهم، شماره اول
بهار۱۴۰۴

[Downloaded from qipd.ir on 2026-11-18]